

### متن پرسش

سلام ۱. که من این را بس شنیدم کهنه شد چیزدیگرگو به جز آن ای عضد چیزدیگر تازه ونو گفته گیر باز فردا زو شوی سیر ونفیر دفع علت کن،چو علت خو شود هرحدیث کهنه پیشت نو شود ۲.امام: در میخانه گشایید به رویم شب و روز که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم اگر می شود یه شرحی در مورد این دو شعر بدهید؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اشعار عرفانی مبانی عمیق معرفتی دارد که در کلاس‌های ادبیات و عرفان باید بحث شود و هرکدام از اشعاری که مرقوم فرموده‌اید نیاز به چند ساعت بحث دارد که مسلّم در سؤال و جواب نمی‌گنجد. مگر این‌که در بررسی اشعار در یک نکته‌ای سؤال داشته باشید که اگر بتوانم نظرم را عرض می‌کنم. در حالی‌که در ادبیات مذکورمولوی می‌خواهد افق مخاطب خود را از روزمژگی‌ها بالا ببرد و حضرت امام می‌خواهند از علم حصولی به علم حضوری سیر کنند که در کتاب «آن‌گاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود» آن شعر مورد بررسی قرار گرفته. موفق باشید